

نیروی مستشاری انقلاب اسلامی

و تحول در سیاست منطقه‌ای ایران ۲۰۲۰ - ۲۰۰۳

امیرحسین وزیریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و نهم - زمستان ۱۳۹۹

چکیده

در سال‌های اخیر مطرح‌شدن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در غرب آسیا و نمایش قدرت در عراق، سوریه، لبنان و یمن نشان‌دهنده تحول در سیاست منطقه‌ای ایران نسبت به گذشته است. این نمایش قدرت علاوه بر افزایش توانمندی‌های نسبی و خلاء قدرت ناشی از تحولات ژئوپولیتیکی محیط پیرامونی، مرهون کنشگری منطقه‌ای نیروهای مستشاری ایران با محوریت نیروی قدس بوده است. هدف از این پژوهش تبیین این مسئله است که نیروهای مستشاری در سیاست منطقه‌ای ایران چه نقشی ایفا کرده و اقدامات آن چگونه بر قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نیروی قدس به‌عنوان بازوی اجرایی نقش مهمی در جهت تحول سیاست‌های منطقه‌ای ایران از طریق تحقق‌بخشیدن به نقش‌های سه‌گانه منطقه‌ای (رهبری، پاسداری و پشتیبانی) داشته و از طریق بهره‌گیری از نیروهای بومی مقاومت در پی گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران بوده است. از این رو موفقیت نیروی قدس در ساماندهی یک بلوک سیاسی تحت عنوان محور مقاومت، رویارویی با داعش به‌عنوان مهمترین تهدید درون منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون امریکا، افزایش ضریب نفوذ و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران را به‌همراه داشته است. ذکر این نکته ضروری است که روش به‌کار رفته در این نوشتار از نوع مطالعات تحلیلی - توصیفی و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی

نیروهای مستشاری، قدرت منطقه‌ای، نیروی قدس، محور مقاومت، گروه‌های مقاومت، داعش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران و مدرس دانشگاه آزاد سبزوار، سبزوار، ایران
vazirian.amir@gmail.com

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، مشروعیت نظام سیاسی، اتخاذ هویت جهانشمول اسلامی و ظرفیت بالقوه برای رهبری منطقه‌ای، در موقعیت مطلوب تری نسبت به حکومت پهلوی به سر می‌برد. با این حال وقوع جنگ تحمیلی و تبعات گریزناپذیر آن در کوتاه‌مدت باعث مهار نقش آفرینی منطقه‌ای ایران در دهه ۱۹۹۰ شد (وزیریان و شکوری، ۱۳۹۹: ۶۹۷). از نظر امام خامنه‌ای (مدظله) هدف دشمن از تحمیل جنگ ناخواسته به ایران فرسایش توان نظامی، انسانی و اقتصادی به منظور تضعیف کشور و جلوگیری از نقش آفرینی منطقه‌ای بود (امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۵۹/۱۳۷۰). با این حال در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر، افزایش توانمندی‌های نسبی و وقوع تحولات منطقه‌ای مانند حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱) ارتقای قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا را به همراه داشت. امری که موجب شد تا باری روبین مدیر مرکز تحقیقات جهانی در امور بین‌الملل در پژوهشی تحت عنوان "ایران: ظهور یک قدرت منطقه‌ای" خیزش منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیست و یکم غرب آسیا ارزیابی کند (Rubin, 2006:1). بازتاب این تحولات در گسترش کنشگری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قالب ایجاد ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های همسو مانند سوریه، عراق، حزب‌الله لبنان، جنبش انصارالله یمن و حمایت همه‌جانبه نظامی، مالی و ایدئولوژیکی از آنها و در نتیجه افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای، قابل مشاهده است. با اجرای این سیاست‌ها ضریب نفوذ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت. روزنامه الشرق الاوسط در یادداشتی به قلم طارق حمید نوشت "احزاب دینی در عراق در رأس قدرت هستند و نفوذ ایران در این کشور چه از دید سیاسی و چه نظامی بسیار زیاد است و شبه نظامیان مطرح در عراق همگی از پشتیبانی ایران برخوردارند. در لبنان حزب‌الله در رأس امور است. در یمن حوثی‌ها به کمک ایران بازسازی و سازماندهی شده‌اند، در بحرین جنبش الوفاق به ایران بسیار متمایل است و در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را پناه و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند (حمید، ۱۳۹۰: ۱).

نکته قابل توجه در این میان نقش نیروهای مستشاری در سیاست‌های منطقه‌ای ایران است. از نظر علی آلفونه این نیروهای قدس به فرماندهی سپهبد شهید سلیمانی بود که در قالب سیاست صدور انقلاب توانست حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت قابل توجهی ارتقا دهد (Alfoneh, 2013: 214-236). امری که در نتیجه آن بنا به اظهارات مگواپر جانشین فرمانده سیا در عراق، سپهبد سلیمانی را به قدرتمندترین و با نفوذترین فردی



تبدیل کرد که در حال تغییر شکل غرب آسیا است (Filkins, 2013: 1-5).

در مورد پیشینه پژوهش ذکر این نکته ضروری است که تاکنون پژوهش مستقلی درباره نقش نیروهای مستشاری (نیروی قدس) در سیاست منطقه‌ای ایران به جز یک مورد صورت نگرفته و آنچه اجرا شده، به صورت پراکنده جنبه‌هایی محدود از این مسئله را بررسی کرده است. آن یک مورد نیز مربوط به مقاله "نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای" نوشته روح‌الله قادری کنگاوری (۱۳۹۷) است که در قالب تحلیل مقاومت پژوهی، نیروهای مستشاری را پیشران اصلی امنیت ملی در زمینه حفظ تمامیت ارضی و عمق‌بخشی به آرمانهای انقلاب اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران معرفی می‌کند.

به غیر از این مورد دیگر پژوهش‌ها به‌طور خلاصه به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست به تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای ایران پس از ۱۱ سپتامبر پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه سجاد مرادی کلارده و مهدی هدایتی (۱۳۹۶) در مقاله "راهبردهای منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی و اهداف"، رضا سیمبر و روح‌الله قاسمیان (۱۳۹۳) در مقاله "مؤلفه‌های اساسی محیط ایران و سوریه" و مجید روحی دهبه (۱۳۹۷) در مقاله "تحلیل ژئوپولیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱" با چنین رویکردی سیاست و قدرت منطقه‌ای ایران را بررسی کرده‌اند. دسته دوم پژوهش‌ها به سنجش آماری قدرت ملی ایران در محیط ژئوپولیتیکی منطقه می‌پردازد. به‌عنوان مثال سید هادی زرقانی (۱۳۸۸) در کتاب مقایسه مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای جنوب غربی و محمدباقر خرمشاد و حمید مرادخانی (۱۳۹۴) در مقاله "بررسی جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی سوات" به ارزیابی کمی مؤلفه‌های قدرت ملی بر اساس الگوهای سنجش ژئوپولیتیکی قدرت پرداخته‌اند. دسته سوم پژوهش‌ها تاریخچه شکل‌گیری سپاه پاسداران و ارتقای آن در سپهر سیاسی ایران را مورد کنکاش قرار داده و تحولات این نهاد را بررسی کرده‌اند. مقاله "تغییرات ساختاری در سپاه پاسداران چه معنایی دارد" نوشته علی آلفونه (۲۰۰۹)، کتاب پیش‌تاز امام: دین، سیاست و سپاه پاسداران ایران تألیف افسون استوار (۲۰۱۶) و کتاب جنگجویان اسلام کنت کاتزمان (۲۰۱۹) از جمله این پژوهش‌ها است. تمایز این نوشتار با دیگر آثار منتشرشده در این است که در تحلیل تحول سیاست و قدرت منطقه‌ای ایران، به‌صورت مستقل به نقش نیروهای مستشاری و چگونگی سازماندهی و راهبردهای آن پرداخته و عملکرد آن را در تحول جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است. با چنین پیش‌زمینه‌ای این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که نیروهای مستشاری با

محوریت نیروی قدس چه نقشی در تحول سیاست منطقه‌ای ایران ایفا کرده و اقدامات آنها چگونه موجب ارتقای قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران شده است؟ در این راستا پژوهش ابتدا در قالب چارچوب نظری چیستی و الزامات قدرت منطقه‌ای را بررسی می‌کند و سپس با شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای مستشاری و مرور بسترهای تأثیرگذار، نقش این نیروها را در تحول سیاست منطقه‌ای ایران (ارتقای نفوذ) واکاوی خواهد کرد.

مبانی نظری

چیستی و الزامات قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه‌ای گویای نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولتهاست که در آن قدرت ملی به‌مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. ماهیت قدرت‌های منطقه‌ای بر اساس جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل مشخص می‌شود که این مسئله خود تحت تأثیر مفهوم قطبیت^۱ و توزیع قدرت^۲ در نظام بین‌الملل است (Griffiths, 2008: 746). بر اساس قطبیت و توزیع قدرت جایگاه کشورها مشخص شده و هر کشوری بر اساس میزان قدرت و توانمندی خود با مفاهیمی چون ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه‌ای و قدرت‌های کوچک شناخته می‌شود. سائول کوهن^۳ قدرت منطقه‌ای را در رده دوم سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند: اول خود را هسته و مرکز منطقه مطرح کنند، دوم نفوذ نظامی در منطقه را دنبال می‌کنند و سوم خواست‌های برتری‌جویانه‌ای در تمام منطقه دارند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۰۷ - ۱۰۳). ایویند استرود برای تشریح قدرت‌های منطقه‌ای چهار ویژگی را بیان کرده است. از نظر او قدرت منطقه‌ای به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار می‌گیرد، قادر به رویارویی با هرگونه ائتلاف دیگر دولت‌ها در منطقه است، نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارد، و به‌دلیل اعتبار و منزلت منطقه‌ای ظرفیت تبدیل‌شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را دارد (Osterud, 1992: 12).

هم‌چنین دانیل فلمز از پژوهشگران مؤسسه گیگا (GIGA) در آلمان و نیز استفان شرم در تبیین قدرت منطقه‌ای چهار ویژگی را ذکر می‌کنند: اول ادعای رهبری منطقه‌ای، دوم برخورداری از منابع ضروری قدرت از جمله توان نظامی، اقتصادی، جمعیت کارآمد و منابع طبیعی به‌مثابه قدرت مادی و فرهنگ سیاسی، مشروعیت و ثبات سیاسی و هویت به‌مثابه قدرت نرم. سوم به‌کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی از قبیل مذاکرات سیاسی،

1. Polarity
2. Distribution of power
3. Saul Cohen



ابزارهای نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی و چهارم پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث (130 - 107: Schirm, 2005; 1 - 5: Flesmes, 2007). نکته‌ای که در شناسایی قدرت‌های منطقه‌ای اهمیت دارد این است که اولاً از میزان قابل توجهی از منابع قدرت به‌عنوان شرط ضروری دستیابی به قدرت منطقه‌ای برخوردار باشد و ثانیاً نقش مؤثری در مسائل منطقه‌ای ایفا کند.

برای تحلیل قدرت منطقه‌ای ایران می‌توان از سطوح مختلفی استفاده کرد. اما این مقاله به دو دلیل سطح تحلیل منطقه‌ای را در ذیل نظریه "مجموعه امنیتی منطقه‌ای"^۱ انتخاب کرده است: نخست اینکه معمولاً مهم‌ترین تهدیدات امنیتی دولت‌ها از جانب موضوعات و کنشگرانی است که بیشترین مجاورت جغرافیایی را با آنها دارند. دوم اینکه بیشتر دولت‌ها از چنان توانی برخوردار نیستند که خارج از منطقه خود فعالیت کنند (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۱۷).

از نظر بوزان و ویور به‌عنوان مهم‌ترین متفکران این حوزه، مجموعه امنیتی منطقه‌ای به مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که در آن فرایند امنیتی‌کردن و غیر امنیتی‌کردن و یا هر دو تا اندازه‌ای درهم تنیده است و مشکلات امنیتی آنها را نمی‌توان جدا از یکدیگر حل و فصل کرد (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱). مهم‌ترین ویژگی هر مجموعه امنیتی وابستگی متقابل اعضا، مجاورت جغرافیایی و فرهنگ و هویت مشترک است (Buzan et.al, 1998: 15 - 12). از آنجا که در منطقه غرب آسیا احساس ناامنی با مجاورت جغرافیایی همراه است به‌همین دلیل بیشتر کشورها معمولاً از همسایگان و محیط پیرامونی خود بیشتر از کشورهای دور دست احساس خطر می‌کنند. در نتیجه هرگونه افزایش قدرت دولتی موجب احساس ناامنی دیگر همسایگان می‌شود (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۳۴).

از نظر رابرت استوارت و همکارانش علاوه بر توانمندی‌های نسبی که به‌معنای افزایش توانمندی‌هایی اقتصادی و نظامی است، آنچه که در چارچوب مجموعه امنیتی منطقه‌ای، میزان قدرت و نفوذ منطقه‌ای هر کشوری را از دیگر اعضای آن منطقه جدا می‌سازد، ایفای نقش‌های سه‌گانه منطقه‌ای است. بر این اساس از نظر آنها نخستین نقش، رهبری منطقه‌ای^۲ است که ویژگی آن رویه‌آفرینی برای پرداختن به منافع و نگرانی‌های مشترک، قالب‌بندی موضوعات و تلاش برای تشکیل سازوکارهای مدیریت امنیتی، تعدیل و یا بازنگری در سازوکارهای امنیتی به‌منظور حفظ منافع رهبر و دیگر اعضا و استفاده از قدرت برای ایجاد همکاری یا اتفاق نظر در مسائل امنیت منطقه‌ای است (Stewart et.al, 2012: 1).

1. Regional Security Complex Theory
2. Regional leadership



70). پاسداری منطقه‌ای^۱ دومین نقشی است که لازمه آن رویارویی با تهدیدات درون منطقه‌ای، بسیج منابع و تشکیل ائتلاف برای رویارویی با تهدیدات و بازدارندگی، اعمال قدرت و مشارکت مستقیم نظامی برای کاهش تنش و مدیریت منازعات منطقه‌ای است (Stewart et.al, 2012: 96 - 103). درنهایت سومین نقش پشتیبانی منطقه‌ای^۲ است که به این معطوف است که هر قدرت منطقه‌ای از نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی و فرمانطقه‌ای در منطقه خود جلوگیری کند (Stewart et.al, 2012: 123 - 132).

شکل‌گیری و ساختار نیروی مستشاری جمهوری اسلامی ایران

زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران را باید در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان نهاد اصلی حافظ دستاوردهای انقلاب جستجو کرد. ایجاد سپاه پاسداران ریشه در فرهنگ راهبردی شکل‌گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. فرهنگ راهبردی به تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای راهبردی امنیتی کشورها می‌پردازد و معتقد است که رفتار یک دولت به‌طور کامل در واکنش به عملکرد دیگران صورت نمی‌گیرد؛ بلکه بر فرهنگ خاص آن کشور مبتنی است. از این رو مجموعه‌ای از باورها، مفروضات و شیوه‌های رفتاری برگرفته از تجربه‌های مشترک و روایت‌های پذیرفته‌شده (شفاهی و مکتوب) را شامل می‌شود که ضمن شکل‌دادن و معنابخشی به هویت جمعی، روابط امنیتی با گروه‌های دیگر را تعیین می‌کند (Gray, 1981: 35 - 37). در مورد ایران پسا انقلابی، اسلام مهمترین عامل تأثیرگذار بر فرهنگ راهبردی ایران است. در نگاه امام خمینی (ره) به‌عنوان پایه‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نظام بین‌الملل از دریچه دو مفهوم قرآنی مستکبر و مستضعف معنا می‌شود. مستکبر به افراد دارای غروری اشاره دارد که از اطاعت و تسلیم‌شدن به خدا و فرستادگان او خودداری می‌کنند. رابطه آنها با خدا براساس عصیان است و بنابراین خداوند آنها را دشمن خود می‌داند. مصادیق این جهانی استکبار نزد امام امریکا بود. در مقابل مستضعفان مفهومی است که برای دیگر مردم دنیا به‌کار می‌رود که مورد سوء استفاده طبقه مستکبر قرار گرفته‌اند. امام خمینی (ره) بنا به روایت قرآن نوید برتری نهایی مستضعفان بر مستکبران و اقامه حکومت عدل جهانی را داده بود (Taremi, 2014: 4 - 15). بر همین اساس ایشان معتقد بود که ایران به‌عنوان کشوری اسلامی وظیفه دارد تا از طریق صدور انقلاب اسلامی و آگاهی‌بخشی به جوامع به‌ویژه در کشورهای اسلامی و حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش زمینه‌ساز پیروزی مستضعفان بر مستکبران شود (Rajaei, 1983: 81). در چنین منظومه فکری تشکیل

1. Regional Custodianship
2. Regional Protection



ارتش انقلابی ایدئولوژیک به‌منظور گسترش آرمان‌های اسلامی ضروری به‌شمار می‌رفت. ارتشی مکتبی که به تعبیر امام خمینی(ره) حافظان واقعی اسلام و ایران و تداعی‌کننده جوانان صدر اسلام باشد (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵: ۳۱۶ - ۳۱۵). در این وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان نیروی محافظ انقلاب در برابر تهدیدات داخلی و خارجی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ تأسیس شد. بنیان‌گذاران سپاه در تأسیس این نهاد در پی ایجاد یک نیروی نظامی - ایدئولوژیک ایده‌آل اسلامی بودند. از این‌رو از همان ابتدا نشانگان دینی با هویت این نهاد عجین بوده است. استفاده از رنگ سبز به‌عنوان رنگ منتسب به پیامبر اسلام(ص)، انتخاب سالروز تولد امام حسین(ع) چهره حماسی تشیع به‌عنوان روز پاسدار و مزین‌شدن لوگوی این نهاد به آیه شریفه‌ای از قرآن کریم که تأکید ویژه بر رویارویی با دشمنان و کفار دارد از نمادهای ویژه هویتی سپاه به‌شمار می‌رود. این نمادهای هویتی از این‌رو برگزیده شد که در اذهان مردم انقلابی نیروهای سپاه تداعی‌کننده مبارزات حماسی امام حسین(ع) و رزمندگان کربلا در این دوران باشد (Ostovar, 2016: 111 - 121). با شروع جنگ تحمیلی و گسترش سپاه به‌عنوان یک سازمان نظامی تأثیر فرهنگ راهبردی افزایش یافت. چنانکه در سخنان عباس آقازمانی مشهور به ابوشریف از نخستین فرماندهان سپاه به‌خوبی بازتاب یافته است: "ما دو راه در پیش داریم. اول شهادت و عزیمت به بهشت و دوم پیروزی بر دشمنان و ایجاد حکومت عدالت‌طلبانه جهانی مبتنی بر اسلام؛ ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم؛ ما نه از ارتش امریکا می‌ترسیم و نه از ارتش شوروی؛ ما از هیچ قدرتی نمی‌ترسیم. چرا که اعتقاد به روز قیامت و زندگی پس از مرگ داریم و کشورمان را گورستان سربازان خارجی خواهیم کرد (Ostovar, 2016: 19). اگرچه سپاه پاسداران در قالب نیروی نظامی در جنگ حضور فعالی داشت اما این سازمان بر اساس قانون اساسی بیش از یک نهاد نظامی بود (اصل صد و پنجاهم قانون اساسی). از این‌رو در مقام حافظ دستاوردهای انقلاب به‌ویژه آرمان‌های ضد امپریالیستی و همبستگی با نهضت‌های آزادیبخش جهان (به‌ویژه پس از حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲) و ضرورت کمک به مسلمانان این کشور به‌سمت حضور برون‌مرزی گام برداشت. امری که نامگذاری واحد برون‌مرزی سپاه پاسداران را نیز تحت تأثیر قرار داد و آرمان آزادی قدس به‌صورت نام و شعار آنها درآمد. در دوران جنگ نیروی قدس از طریق قرارگاه رمضان در جنگ حضور داشت و پس از پایان جنگ این نیرو در افغانستان، بوسنی، آفریقا، آسیای میانه، عراق، لبنان و شبه جزیره عربستان - با یارگیری، جذب و حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا - حضور فعالی داشت (Riazaty, 2016: 226 - 227؛ خبرآنلاین، ۱۳۹۸).

نکته مهم در این میان عملگرایی نیروی قدس بود. به این معنا که از تمام گروه‌هایی پشتیبانی می‌کرد که می‌توانست بخشی از مقاومت بین‌المللی بر علیه امریکا و رژیم صهیونیستی به‌شمار رود. در سال ۱۳۷۶ سپهبد سلیمانی به فرماندهی نیروی قدس رسید و از آن دوران نیروی قدس کوشید تا با توسعه فعالیت‌های خود علاوه بر دفع تهدیدات، نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش دهد. با توجه به گستردگی حوزه نفوذ نیروی قدس در غرب آسیا و به‌منظور سهولت مدیریت آن، نیروها در قالب مناطق عملیاتی خاص ساماندهی شدند. سپاه رمضان در عراق، سپاه شامات در سوریه، لبنان و فلسطین، سپاه انصار در افغانستان - پاکستان و سپاه رسول‌الله در شبه جزیره عربستان از مهم‌ترین مناطق عملیاتی نیروی قدس سپاه پاسداران به‌شمار می‌رود (Uskowi, 2018: 158 - 159). علاوه بر آن به‌منظور بهینه‌سازی فرایند تصمیم‌گیری در مناطق عملیاتی، نیروی قدس بر اساس سامانه «یک کشور، یک پرونده و یک فرمانده» اداره شده است. به این معنا که مسئولیت اداره و تصمیم‌گیری هر یک از کشورهایی که نیروی قدس در آن فعالیت دارد به یک فرمانده خاص واگذار شد که از اختیارات ویژه‌ای برای کنترل فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برخوردار بود و در صورت کم و کاست احتمالی تحقق اهداف جمهوری اسلامی در آن کشور باید پاسخگو باشد (Vaisi, 2020a). اگرچه آمار دقیقی از تعداد نیروهای این نهاد نظامی وجود ندارد اما برخی ارزیابی‌ها مجموع نیروهای سپاه پاسداران را حدود ۱۲۰/۰۰۰ نفر و سهم سپاه قدس به‌عنوان نیروی برون‌مرزی آن را حدود ۲۰/۰۰۰ - ۱۵/۰۰۰ برآورد کرده‌اند (Katzman, 2019: 3-5). نکته شایان توجه این است که نقش سه نفر از فرماندهان نیروی قدس در افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران مهم ارزیابی می‌شود:

۱. سپهبد شهید قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس (۱۳۹۸ - ۱۳۷۶) بیشترین نقش را در سیاست‌های منطقه‌ای ایران ایفا کرده است. بهترین گواه پیامی است که در سال ۲۰۰۸ از سوی ایشان خطاب به ژنرال پترائوس فرمانده نیروهای امریکایی در عراق منتشر شد که در آن آشکارا به نقش نیروی قدس تحت فرماندهی‌اش در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی اشاره کرده است: «ژنرال پترائوس عزیز: باید بدانید که من سیاست‌های ایران در عراق، سوریه، لبنان، غزه و افغانستان را تعیین می‌کنم و در واقع سفیر ما در بغداد نیز از اعضای نیروی قدس است» (Cholov, 2011: 2).

سپهبد سلیمانی در دوران جنگ ایران - عراق به‌عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در عملیات‌های والفجر هشت، کربلای چهار و پنج حضور فعالی داشت و لشکر تحت فرماندهی وی با نیروهایی از سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان مشهور به لشکر



صفشکن بود. پس از پایان جنگ مسئولیت مبارزه با مواد مخدر در کرمان را بر عهده گرفت و سپس در سال ۱۳۷۶ به فرماندهی نیروی قدس رسید و تا قبل از حمله امریکا به افغانستان به رویارویی با نیروهای طالبان از طریق حمایت از نیروهای ائتلاف شمال پرداخت (Sufan, 2018: 4).

حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ موجب افزایش تحرک منطقه‌ای ایران شد و جمهوری اسلامی برای رویارویی با تهدید امریکا در مرزهای خود از نیروی قدس بهره برد. سپهبد سلیمانی برای رویارویی با سیاست‌های امریکا در اشغال عراق به‌عنوان فرمانده نیروهای شبه نظامی ظاهر شد و تحت فرماندهی او نیروی قدس از گروه‌های مقاومت شیعی برای بیرون‌راندن و کاهش نفوذ امریکا در عراق بهره برد. در سال ۲۰۰۶ و در اوج خونریزی‌های عراق سردار سلیمانی نظارت بر شبه نظامیان را برای مدت کوتاهی در عراق متوقف کرد و به کمک حزب‌الله لبنان در جنگ با رژیم صهیونیستی رفت. پس از بازسازی دولت عراق در سال ۲۰۰۵ نفوذ سپهبد سلیمانی در عراق افزایش چشمگیری یافت و نخست‌وزیران عراق ابراهیم جعفری و نوری المالکی با سیاست‌های تهران همسو شدند (Nada and Rowan, 2018).

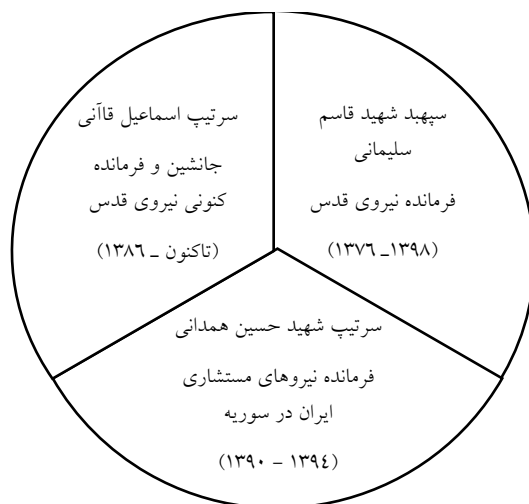
پس از وقوع انقلاب‌های عربی و با حمله داعش به عراق و سوریه، سپهبد سلیمانی کوشید تا با ساماندهی گروه‌های مقاومت از نفوذ آنها در منطقه جلوگیری به‌عمل آورد. بنابراین به‌خوبی مشهود است که سپهبد سلیمانی بیش از هر نهاد و فردی نقش اساسی در گسترش هلال نفوذ جمهوری اسلامی (که ایران آن را محور مقاومت می‌خواند) از خلیج فارس تا سواحل شرق مدیترانه داشته و موفقیت وی در گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران او را به‌عنوان قهرمان ملی مطرح ساخته است. آن چنانکه یوسی کوهن رئیس موساد در مورد نقش او با چاشنی طنزی گزنده گفته است که با حفظ بشار اسد در قدرت سلیمانی می‌تواند به‌راحتی با اتومبیل خود از تهران به لبنان تردد کرده و خود را به مرزهای رژیم صهیونیستی برساند (Bergman & Zimmt, 2018).

۲. سرتیپ قآنی جانشین نیروی قدس در سال‌های (۱۳۹۸ - ۱۳۸۶) و فرمانده کنونی آن که در دوران جنگ ایران - عراق فرماندهی لشکر ۲۱ امام رضا و لشکر ۵ نصر را بر عهده داشت و شخصاً در عملیات‌های موفق هم‌چون والفجر ۸ (تصرف شبه جزیره فاو)، کربلای^۱ (آزادسازی مهران)، نصر ۸ (تثبیت مواضع ایران در اطراف ماوت) و کربلای ۵ (آزادی شلمچه) حضور فعالی داشته است. حضور در مأموریت‌های پرخطر شناسایی پیش از آغاز عملیات جنگی و پیشنهاد روش‌های جایگزین برای انتقال ماشین‌ها به آن سوی رودخانه قلعه‌چولان پیش از ساخته‌شدن پل در جریان برنامه‌ریزی عملیات نصر ۸ حکایت

از توان بالای نظامی - راهبردی وی در دوران دفاع مقدس دارد (3 - 1: Alfoneh, 2012). او از دهه ۱۳۷۰ مسئول قرارگاه انصار نیروی قدس بود که حوزه اصلی مأموریت آن افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی را در بر می‌گرفت. در این جایگاه قآنی نقش محوری در حمایت ایران از مجاهدان افغان (نیروهای ائتلاف شمال) در برابر طالبان ایفا کرد و از سال ۱۳۸۶ نیز جانشین نیروی قدس شد. از این رو برخی از وجود نوعی تقسیم کار میان سرتیپ قآنی (جبهه شرق شامل افغانستان و پاکستان و...) و سپهبد سلیمانی (جبهه غرب شامل عراق و شامات) برای رویارویی با تهدیدات منطقه‌ای صحبت کرده‌اند (Alfoneh, 2020). با این حال تجهیز و ساماندهی گروه‌های مقاومت در قالب تیپ‌های فاطمیون (افغانستانی‌ها) و زینبیون (پاکستانی‌ها) برای حضور در میدان نبرد در سوریه نشان از نقش ویژه او در جبهه شامات دارد. امری که لقب سردار شامی را نیز برای او به‌همراه داشته است.

۳. سرتیپ شهید حسین همدانی مشهور به «ابو وهب» فرمانده نیروی قدس در سوریه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) که در دوران جنگ ایران - عراق در جبهه‌های غربی همچون کردستان و سرپل ذهاب نقش فعالی برعهده داشت. او فرمانده لشکر ۳۲ انصارالحسین، لشکر ۱۶ قدس گیلان و از بنیانگذاران لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله بود. سرتیپ همدانی پس از پایان جنگ مسئولیت‌های گوناگون نظامی همچون فرماندهی قرارگاه ثارالله، فرماندهی سپاه محمد رسول‌الله تهران و فرماندهی قرارگاه امام حسین(ع) را برعهده داشت. با این حال آنچه در مورد او حائز اهمیت است فرماندهی نیروی قدس در سوریه از آغاز بحران تا زمان شهادتش در سال ۱۳۹۴ است. سرتیپ همدانی در این جایگاه با سازماندهی نیروی داوطلب مردمی سوریه بر اساس الگوی بسیج نقش ویژه‌ای در جلوگیری از قطع حلقه ارتباطی محور مقاومت ایفا کرد (Zimmt, 2015:1-5؛ بابایی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).





شکل ۱. فرماندهان کلیدی نیروهای مستشاری ایران (ترسیم: نگارنده)

بسترهای افزایش کنشگری نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران

در هزاره جدید، حمله امریکا به عراق (۲۰۰۳) و وقوع بهار عربی (۲۰۱۱) دو حادثه مهمی بود که ژئوپولیتیک غربی آسیا را تغییر، و محیط امنیتی ایران را تحت تأثیر قرار داد. تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی و ظهور تروریسم تکفیری، ظهور ژئوپولیتیک شیعه، محاصره توسط امریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور، احاطه شدن توسط دولت‌های سنی، شیوع موج ایران‌هراسی توسط محور امریکا - رژیم صهیونیستی، بی‌ثباتی و خشونت در غرب آسیا، افزایش هزینه نظامی کشورهای منطقه، افول رژیم‌های اقتدارگرای عربی، افول ناسیونالیسم عربی و شکل‌گیری الگوی‌های جدید هویت - قدرت در غرب آسیا (شیعی، اخوانی و سلفی) از مهم‌ترین پیامدهای مادی این تغییرات ژئوپولیتیکی به‌شمار می‌رود که بر سیاست منطقه‌ای ایران تأثیر گذاشته است (Hass, 2012: 715 - 753). علاوه بر این پیامدهای مادی، از دیدگاه هویتی نیز احیای گفتمان مقاومت که برابند انباشت عقده‌ها و عقیده‌های به‌ناحق سرکوب‌شده تاریخی ملت‌های بیدار منطقه است، سبب شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش شد. این امر به دلیل چندین دهه حضور صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها است که ژئوپولیتیک منطقه را به سمت ژئوپولیتیک مقاومت سوق داده است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۲۴).

در چنین وضعیتی فرصت مناسبی برای یک قدرت منطقه‌ای همچون ایران به‌وجود آمد تا بتواند ضمن پر کردن خلاء قدرت موجود، جایگاه خود را در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند. علاوه بر شرایط و مناسبات منطقه‌ای، برخورداری از

توانمندی‌های نسبی و مشخصاً افزایش توان اقتصادی و نظامی نیز نقش مهمی در تقویت انگیزه‌های کنشگری نیروهای مستشاری به‌عنوان بازوی اجرایی - عملیاتی سیاست‌های منطقه‌ای ایران ایفا کرد. از دید اقتصادی در سال‌های ۲۰۱۷ - ۲۰۰۵ افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی و رشد تقریباً دو برابری تولید ناخالص داخلی از ۲۲۸/۱۸۰ به رقم ۴۵۴/۰۱۳ میلیارد دلار موجب افزایش بودجه دفاعی، توان دفاعی و توسعه توان نظامی جمهوری اسلامی ایران شده است (The World Bank, 2005-2017). بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI) میزان هزینه‌های دفاعی ایران در سال‌های ۲۰۱۸ - ۲۰۰۵ با رشد ۳/۷ برابری از ۳/۷ به ۱۴ میلیارد دلار رسیده است (Sipri, 2005 - 2018). هم‌چنین بر اساس گزارش سالانه مؤسسه "Global Fire Power" که رتبه‌بندی قدرت نظامی کشورها را بر اساس تمام ملاک‌های متعارف نظامی (جز توان هسته‌ای) منتشر می‌کند، ایران از رتبه ۲۳ قدرت نظامی در سال ۲۰۱۵ به رتبه ۱۳ در سال ۲۰۱۸ ارتقا یافته و بالاتر از عربستان و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است (Global Fire Power, 2015 - 2018).

در رابطه با توسعه توان نظامی، بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IIS) در فوریه ۲۰۱۸، ایران یکی از بزرگترین زرادخانه‌های موشک بالستیک در بردهای کوتاه، متوسط و بلند را در غرب آسیا در اختیار دارد که موشک‌های سجیل، شهاب ۳، سومار، قدر، خرمشهر، موسودان بی. ام. ۲۵، موشک ضد کشتی کروز، موشک‌های هدایت‌شده ضد تانک و صیاد ۲ با بردهای متنوع از ۳۰۰ تا حدود ۲۰۰۰ کیلومتر از آن جمله است. هم‌چنین گسترش ساخت و به‌کارگیری پهپادها (پرنده هدایت‌پذیر از دور) همچون ابابیل، سفره ماهی، فُطرس و شاهد ۱۲۹ برای مقاصد نظامی و عملیات شناسایی از دیگر توانمندی‌های نظامی ارتقایافته جمهوری اسلامی ایران است (Litvak et.al, 2018: 18).

راهبرد منطقه‌ای نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران

در پرتو تغییرات ژئوپولیتیکی محیط پیرامونی، گفتمان مقاومت سرلوحه سیاست منطقه‌ای ایران قرار گرفت که اشاره به اتخاذ الگوی رفتاری به‌منظور ایستادگی یک بازیگر در برابر تحولات بر هم زنده وضع موجود و مناسبات یک دولت دارد. تأکید بر پایداری، اقدام عملی در برابر هژمونی غرب، تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زا، تداوم مبارزه و تسلیم‌نشدن در برابر دشمن از جمله مؤلفه‌های گفتمان مقاومت به‌شمار می‌رود (مهدی پور، ۱۳۹۸: ۵۴۸ - ۵۴۳). از نظر امام خامنه‌ای (مدظله) هدف گفتمان مقاومت رسیدن به نقطه بازدارندگی در مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی به‌منظور رویارویی با دشمن است (امام



بر این اساس راهبرد منطقه‌ای ایران برمبنای حضور فعال در حلقه‌های امنیتی فوری و غیر فوری (عراق، لبنان، سوریه) پایه‌ریزی شد. حضور مستشاری ایران در عراق - سوریه به‌منظور تأمین امنیت مرزها و حفظ اتصال ژئوپولیتیکی محور مقاومت (تهران - بغداد - دمشق - لبنان) و حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی به‌منظور اعمال بازدارندگی فعال و محدودسازی ژئوپولیتیکی رژیم صهیونیستی انجام شد. ایران از طریق این رویکرد در پی آن است تا از طریق حضور فعال و همه‌جانبه مستشاری - سیاسی به‌جای سیاست انتظار و تعریف تهدید از خاکریزها در پی انهدام تهدید از مبدا و ماورای مرزهای خود باشد. ویژگی این رویکرد بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت بومی هم‌پیمان در عراق، سوریه، لبنان و یمن با محوریت سپهبد شهید سلیمانی بوده است (نباکویی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

بهره‌گیری از شبکه نیروهای هم‌پیمان مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد کمر بند دفاعی، کاهش هزینه‌های درگیری و افزایش هزینه‌های دشمنان است. بارزترین جلوه این سیاست محور مقاومت است که بر اساس اعتقاد به رویارویی با هژمونی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن شکل گرفته و موجب افزایش دامنه کنشگری جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا شده است.

نیروی قدس به‌عنوان عامل اجرایی سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی پس از گسترش تهدیدات نوین امنیتی حاصل از تغییرات ژئوپولیتیکی غرب آسیا (۲۰۱۱ - ۲۰۰۳) درصدد برآمد تا با بهره‌گیری از گسترش شبکه‌سازی گروه‌های مقاومت بومی^۱ ضمن رویارویی با تهدیدات، نفوذ ایران را گسترش دهد. منطق راهبردی نیروی قدس در استفاده از گروه‌های مقاومت بومی بر سه محور عمده متکی است:

۱. گروه‌های مقاومت عامل کلیدی در تحقق اهداف راهبردی ایران برای بازدارندگی به‌منظور رویارویی با تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه به‌شمار می‌رود. استفاده از این گروه‌ها برای ایران به‌عنوان نیروی بازدارنده در دو سطح قابل تحلیل است: نخست سطح "بازدارندگی انتقام‌جویانه"^۲ است که شامل توانایی ایجاد ترس از تلفات قابل توجه، نابودی زیرساخت‌های حیاتی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی است که برای بازداشتن دشمنان جمهوری اسلامی ایران از اقدام مستقیم نظامی بر علیه کشور و منافع آن است. این همان رهنامه‌ای است که امام خامنهای (مدظله) از آن به‌عنوان «دکترین

1. Proxy groups
2. Retaliatory Deterrence

تهدید در پاسخ تهدید^۱ یاد کرده است (افتخاری و کلانتری، ۱۳۹۳: ۷۸). امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه به صراحت یادآور شده است: «ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم. هم امریکا بداند و هم سگ نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بداند پاسخ ملت ایران به هر تعرضی، هرگونه تجاوزی و بلکه هرگونه تهدیدی پاسخی خواهد بود که از درون آنها را از هم خواهد پاشید» (بیانات، ۱۳۹۰/۸/۱۹). سطح دوم «بازدارندگی غیرفعال»^۲ است که برای جلوگیری از دخالت خارجی در کشورهای عراق، سوریه و لبنان به‌عنوان حوزه نفوذ ایران طراحی شده است. تجهیز و فرماندهی بسیج مردمی ارتش سوریه (NDF) و بسیج مردمی عراق حشدالشعبی (PMF) از سوی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور انجام جنگ‌های نامتقارن بر علیه دشمنان دمشق - بغداد و ارتقای نفوذ خود در این دو کشور بوده است (Mcinnis, 2016: 4).

۲. گروه‌های مقاومت ابزاری برای تحقق آرمان ایران برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و تبدیل به قدرت برتر غرب آسیا به‌شمار می‌رود. لازمه چنین هدفی نفوذ در کشورهای همسایه از طریق تأثیرگذاری سیاسی، اقتصادی و نظامی است. از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) منطق کنشگری ایران در منطقه دستیابی به عمق راهبردی در جهان به‌ویژه غرب آسیا است. از نظر ایشان «حضور در کشورهای منطقه و طرفداری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. فقط هم در منطقه نیست؛ ما در قسمت‌های مهمی از آسیا عمق راهبردی داریم. بعضی به‌خاطر اسلام، بعضی به‌خاطر زبان و بعضی به‌خاطر مذهب شیعه» (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۱۳؛ ۱۳۹۷/۳/۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۱. طبقه‌بندی شبکه‌های نیابتی (مقاومت) ایران

معیار/ گروه‌ها	گروه‌های وابسته (حزب‌الله لبنان و حشد الشعبی)	گروه‌های مستقل (حوثی‌های یمن)	گروه‌های سنی (حماس و جهاد اسلامی فلسطین)
ایدئولوژی	مشترک	مشترک در بخشی از آن	جزیی، تنها در مقاومت
فرایند تصمیم‌گیری	نفوذ غالب ایران	تا حدودی مستقل اما تأثیرپذیرفته از ایران (همکاری راهبردی و تا حدودی ایدئولوژیک)	تا حدودی مستقل (همکاری راهبردی)
حمایت فرهنگی - مذهبی از ایران	قابل توجه	جزیی	وجود ندارد
حمایت مالی - نظامی از ایران	قابل توجه از جمله سلاح‌های پیشرفته	قابل توجه از جمله سلاح‌های پیشرفته	قابل توجه
هزینه نگهداری برای ایران	قابل توجه	قابل توجه	جزئی

(منبع: 5: Carmi, 2017)

ارزیابی عملکرد نیروهای مستشاری در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

نقش‌آفرینی نیروهای مستشاری ایران (نیروی قدس) به‌عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های منطقه‌ای ایران بر اساس آنچه رابرت استوارت و همکارانش در تبیین نقش‌های سه‌گانه رهبری، پاسداری و پشتیبانی منطقه‌ای ذکر کرده‌اند قابل تبیین است:

رهبری منطقه‌ای

از آنجا که ایفای نقش رهبری منطقه‌ای بر ائتلاف‌کردن با گروه‌های همسو، ایجاد بلوک قدرت برای حفظ موازنه قوا، خلق رویه برای مدیریت امنیت منطقه‌ای و تولید سازوکارهای رسمی و غیر رسمی به‌منظور بازدارندگی و مدیریت تهدیدات امنیتی مبتنی است نیروی قدس تلاش کرده است در قالب محور مقاومت^۱ رهبری منطقه‌ای ایران را تحقق ببخشد. بررسی محور مقاومت در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای حاکی از آن است که اولاً از نظر وابستگی متقابل امنیتی افزایش یا کاهش قدرت هر یک از اعضای این محور بر امنیت دیگران تأثیر مستقیم دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش یا کاهش قدرت منطقه‌ای ایران

به‌عنوان هرم این محور تقویت یا تضعیف دیگر اعضا همچون سوریه و حزب‌الله لبنان را به‌همراه دارد. ثانیاً از دید الگوی مجاورت این مجموعه امنیتی در جغرافیای مشترک آسیای غربی تعریف می‌شود و ثالثاً از دیدگاه هویتی این ائتلاف دارای هویت اسلامی - ترجیحاً شیعی - هنجار مقاومت در برابر غرب، ظلم‌ستیزی، و تضعیف و فشار بر رژیم صهیونیستی است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۹ - ۶). برای ارزیابی رهبری منطقه‌ای ایران باید به عملکرد نیروی قدس در حمایت از اعضای محور مقاومت پرداخت

گروه‌های فلسطینی

در میان گروه‌های فلسطینی جنبش مقاومت اسلامی مشهور به حماس بیش از دیگر گروه‌ها با نیروهای مستشاری ایران در ارتباط بوده است. این گروه در سال ۱۹۸۷ به رهبری شیخ احمد یاسین به‌عنوان شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین تأسیس شد و هدف خود را آزادی تمام خاک فلسطین اعلام کرد. حماس تنها عضو سنی محور مقاومت است که به‌عنوان نیروی بازدارنده در نزدیک‌ترین نقطه به رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی اهمیت محوری دارد. به‌رغم تفاوت مذهبی، از جمله اشتراکات حماس با جمهوری اسلامی اعتقاد به التزام دین و سیاست، اعتقاد به قانونگذاری بر اساس شریعت اسلامی و اجرای آن، نامشروع‌دانستن رژیم صهیونیستی و مبارزه با آن تا بازگشت این رژیم به مرزهای ۱۹۶۷ و نگاه منفی به غرب است (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۷ - ۶۲). روابط ایران با حماس در دهه ۱۹۹۰ در پی مخالفت با طرح صلح اعراب - فلسطین شکل گرفت. این رابطه پس از پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین و تشکیل دولت خودگردان به نخست‌وزیری اسماعیل هنیه وارد مرحله جدیدی شد و جمهوری اسلامی حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی خود را به این گروه افزایش داد. در این سال‌ها حماس با تأسیس دفتر سیاسی خود در دمشق عملاً وارد محور مقاومت شد و در کنار سوریه، حزب‌الله لبنان و ایران در یک صف قرار گرفت. حمایت‌های مالی - تسلیحاتی نیروی قدس ایران در طی جنگ ۲۲ روزه میان حماس و رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۱۲ از این گروه ادامه یافت، به‌گونه‌ای که برخی منابع ارزش آن را حدود ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرده‌اند (Katzman, 2016: 40). اگرچه بر سر تفاوت دیدگاه‌ها در جریان حوادث سوریه حمایت نیروی قدس از حماس کاهش یافت، با وجود این به‌دلیل وجود دشمن مشترکی چون رژیم صهیونیستی به‌طور کامل قطع نشد. شخصیت‌های ارشد حماس همچون محمود الزهار پس از حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه در نوامبر ۲۰۱۲ به‌صراحت اعلام کردند که نیروی قدس در ساخت موشک‌های دوربرد و تحویل برخی موشک‌ها به آنان کمک مالی - تسلیحاتی کرده و در برابر آن نیز خواسته‌ای را مطرح نکرده است که این امر نشان‌دهنده



ماهیت متحول روابط نیروی قدس با حماس بوده است (Abu Amer, 2018: 1-2). علاوه بر حماس برقراری روابط با برخی گروه‌های کوچک‌تر ساکن در نوار غزه همچون جهاد اسلامی فلسطین و جنبش تازه تأسیس «حرکت الصابین» از دیگر تلاش‌های نیروهای مستشاری ایران در این زمینه به‌شمار می‌رود (International Institute for Strategic Studies, 2019: 74).

عراق

با حذف قدرت موازنه بخش عراق پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، نیروی قدس کوشید تا نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد و ضمن ایجاد بلوک منطقه‌ای ضد امریکایی، رهبری منطقه‌ای خود را ذیل محور مقاومت عینیت ببخشد. هدف نیروی قدس ایران در عراق حمایت از تشکیل دولت شیعه، رویارویی با نفوذ رقیبان دیگر همچون عربستان، جلوگیری از تبدیل عراق به پایگاه نفوذ امریکا و در نتیجه افزایش فشار بر ایران، و ایجاد حوزه نفوذی برای صادرات کالاهای خود با توجه به تحریم‌های امریکا بود (Bazoobandi, 2014: 5-6). به همین دلیل نیروی قدس به‌عنوان بازوی اجرایی ایران کوشید تا در سه سطح اعمال نفوذ کند:

- در سطح میان‌دولتی، ایران مقامات عراقی را متقاعد کرد که فهرست بلند بالایی از توافقات نامه‌های همکاری در حوزه سیاسی و اقتصادی و امنیتی با تهران امضا کنند. ایران بودجه طرح‌های عظیم بازسازی شهری عراق را تأمین کرد و به ساخت نیروگاه‌های برق و مدارس این کشور همت گمارد. در مقابل عراق نیز از سیاست‌های ایران در لبنان و سوریه حمایت کرد و به تهران در دور زدن تحریم‌ها یاری رساند (Rahimi, 2012: 27).

- در سطح حزبی - جنبشی، جمهوری اسلامی برای ایجاد بلوک شیعی متحد تلاش فراوانی به‌عمل آورد. هم‌چنین با اکراد و اهل تسنن همکاری کرد و توانست به‌عنوان میانجی به روند شکل‌گیری دولت در عراق کمک کند. حمایت از جبهه مقاومت عراق (حشدالشعبی)، پیروزی گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در انتخابات این کشور و تداوم نخست‌وزیری نوری مالکی تا سال ۲۰۱۴، به تثبیت نفوذ ایران در عراق منتهی شد (پشنگ و زمردی، ۱۳۹۳: ۴۸۶ - ۴۸۳).

- در سطح نظامی - استراتژیک، نیز نیروی قدس همواره در عراق حضور موثری داشته است و سفرای ایران در بغداد پس از سقوط صدام همواره عضو نیروی قدس بوده‌اند که این امر نشان از اهمیت نظامی - راهبردی عراق برای جمهوری اسلامی دارد.

حزب‌الله لبنان

با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی مهمترین دشمن ایران در منطقه پس از انقلاب

اسلامی بوده است، حزب‌الله ابزار راهبردی بازدارندگی ایران در برابر رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران برای تقویت بازدارندگی خود از حزب‌الله برای افزایش عمق راهبردی خود، کاهش ضریب امنیتی رژیم صهیونیستی و شکست سیاست بازدارندگی آن و کاهش حمله احتمالی این رژیم به ایران استفاده کرده است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۵۰ - ۱۳۷). سپهبد سلیمانی در طی این سال‌ها ارتباط نزدیکی با عماد مغنیه رهبر نظامی حزب‌الله داشت و در جریان جنگ ۳۳ روزه به هدایت و سازماندهی آنها پرداخت. اگرچه مغنیه در سال ۲۰۰۸ کشته شد اما با هدایت سپهبد سلیمانی و سرتیپ حجازی، حزب‌الله پیشرفت‌های زیادی کرد. افزایش قدرت دفاعی به‌ویژه توسعه برنامه موشک‌های نقطه‌زن و حضور فعال حزب‌الله در سیاست‌های لبنان از مهم‌ترین دستاوردهای آنها با پشتیبانی ایران به‌شمار می‌رود. ضمن اینکه داشتن شبه‌نظامیانی قوی‌تر از ارتش رسمی لبنان به‌منظور رویارویی با رژیم صهیونیستی و ارتقای جایگاه آنها در سپهر سیاسی این کشور موجب افزایش محبوبیت آنها نیز شده است. حزب‌الله لبنان به‌عنوان نگین گروه‌های مقاومت بنا به اظهارات دبیر کل آن سید حسن نصرالله همواره از حمایت‌های گسترده مالی و نظامی تهران برخوردار بوده است (Hassan Nasrallah, 2016). در ازای این کمک‌های گسترده، حزب‌الله لبنان علاوه‌بر ایفای نقش بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی، در حراست از اهداف و منافع منطقه‌ای ایران همانند حفظ بشار اسد کوشش کرده است. نظارت حزب‌الله بر اعزام نیروهایش به سوریه توسط جهاد مغنیه پسر رهبر نظامی پیشین این حزب صورت گرفته است.

سوریه

سوریه اولین کشور عربی بود که انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخت و در جنگ با عراق، از ایران حمایت کرد. عواملی همچون نگرانی سیاسی و راهبردی مشترک دو کشور، مخالفت دو کشور با نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای دو کشور به‌شمار می‌آید که موجب اتحاد راهبردی تهران - دمشق شده است (Goodarzi, 2013: 17). حضور امریکا در منطقه پس از اشغال عراق به‌عنوان تهدیدی مشترک، دو کشور را به هم نزدیک ساخت. به‌گونه‌ای که در ژوئن ۲۰۰۶، دو کشور پیمان دفاعی مشترک امضا کردند و بشار اسد در واکنش به تهدیدات امریکا، رئیس‌جمهور ایران محمود احمدی نژاد و دبیرکل حزب‌الله لبنان سید حسن نصرالله را به دمشق دعوت کرد تا این پیام آشکار را به غرب بدهد که روابط محور مقاومت روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود (Tabler, 2011: 228). با این اوصاف سوریه برای ایران به‌مثابه یکی از اعضای محور مقاومت و تنها



متحد راهبردی اهمیت زیادی دارد. جایگاه ژئواستراتژیک سوریه در پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، وجود تنگه جبل‌الطارق و کانال سوئز و نقش آن در ترابری و کشتیرانی، همسایگی با لبنان، ترکیه، عراق و رژیم صهیونیستی به‌عنوان اجزای مهم ژئوپولیتیک منطقه و کریدور ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان در مسیر راهبردی تهران - بغداد - دمشق - بیروت از مزیت‌های سوریه برای جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۸ - ۱۴۳). با وقوع بحران در سوریه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تغییر در نظام سیاسی و تغییر ژئوپولیتیک و آرایش بازیگران سیاسی غرب آسیا اقدام کردند تا ضمن به حاشیه‌بردن قدرت منطقه‌ای ایران امنیت ملی این کشور را نیز به خطر بیفکنند. از نظر آنها باتوجه به پیوند راهبردی دو کشور سقوط اسد ضربه سختی به محور مقاومت به رهبری ایران وارد خواهد کرد. این مسئله از آن رو است که سوریه تنها پایگاه برون‌مرزی ایران برای تأثیرگذاری در جهان عرب به‌شمار می‌رود و سقوط اسد به تضعیف و افزایش فشار بر حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطین در غزه منجر خواهد شد (شوسو دوفسکی، ۱۳۹۱: ۶). جیمز روبین معتقد است که طرح جنگ علیه سوریه رابطه تنگاتنگی با طرح جنگ علیه ایران دارد و بخشی از طرح امریکا - رژیم صهیونیستی برای تضعیف ایران در راستای محافظت از رژیم صهیونیستی است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۵ - ۱۳)؛ بنابراین طبیعی بود که با وقوع ناآرامی‌ها در سوریه و باتوجه به اینکه به گفته امام خامنه‌ای (مدظله) سوریه عمق راهبردی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود، ایران به حمایت همه‌جانبه از اسد پردازد (امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۸۵/۱۱/۲۹).

انصارالله یمن (حوثی‌ها)

حوثی‌ها احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۱ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی کشور را در اختیار بگیرند. این گروه مانند حزب‌الله لبنان تحت نفوذ کامل ایران نبوده و مستقلانه‌تر عمل می‌کند. گواه این مطلب اینکه آنها صنعا پایتخت یمن را بر خلاف توصیه‌های ایران محاصره کردند (Watkins et.al, 2015: 11). با این حال این گروه به‌دلیل همدلی نسبی هویتی روابط مستحکمی با ایران دارد. حوثی‌ها برای جمهوری اسلامی ایران به سه دلیل مزیت راهبردی دارند:

نخست به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک تنگه باب‌المندب که تسلط حوثی‌ها بر این تنگه به‌عنوان رگ کشتیرانی در کانال سوئز و همچنین بندر الحدیده حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و کنترل کشتیرانی از خلیج فارس تا کانال سوئز را برای ایران میسر می‌سازد (Milani, 2015: 1)

دوم این گروه به‌منابه ابزاری برای اعمال بازدارندگی در برابر عربستان و متحدانش عمل می‌کند. آن چنانکه حزب‌الله در جهت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی برای ایران ایفای نقش کرده است.

سوم توان بالقوه‌ای برای تحرک و گسترش صدور انقلاب در شبه جزیره عربستان به‌واسطه وجود شیعیان به‌ویژه در استان‌های شرقی عربستان است (Ryan, 2015: 1-2). در ابتدا حمایت نیروی قدس از انصارالله شامل کمک‌های محدود مادی، سلاح‌های سبک و آموزش محدود از طریق سپاه قدس و حزب‌الله لبنان بود؛ اما با بحرانی‌شدن اوضاع یمن در جریان حملات هوایی عربستان، این کمک‌ها افزایش یافت و موشک‌های زمین به هوا، راکت و مین‌های ضد کشتی نیز به آنها تحویل داده شد (Knights, 2018: 17-18).

پاسداری منطقه‌ای

هدف از ایفای نقش پاسداری منطقه‌ای مبارزه با تهدیدات درون منطقه‌ای است. مهم‌ترین تجلی تهدیدات امنیتی برای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ظهور تروریسم تکفیری داعش در عراق و سوریه بود. داعش در سال ۲۰۱۳ موفق شد بخش‌هایی از شمال و تقریباً سراسر استان رقه در سوریه را تصرف کند و همزمان با این اقدامات با گسترده‌ترکردن جبهه‌های نبرد توانست کنترل رمادی و فلوجه در عراق را نیز در اختیار بگیرد. درنهایت نیز در سال ۲۰۱۴ با اقدامات نظامی گسترده توانست موصل دومین شهر بزرگ عراق را فتح کند. علاوه بر شیعه‌ستیزی و ائتلاف داعش با مقامات سابق حزب بعث عراق آنچه که این گروه را در نظر محور مقاومت بسیار تهدیدآمیز جلوه داده بود قدرت تهاجمی این گروه بود که از قدرت جمعیتی، نظامی و اقتصادی آنها سرچشمه می‌گرفت. براساس برخی آمارها جمعیت جنگجویان داعش بین ۳۰۰۰۰ - ۲۷۰۰۰ نفر برآورد شده است (The Soufan Group, 2015: 7).

از نظر اقتصادی داعش ثروتمندترین تشکیلات تروریستی تاریخ به‌شمار می‌رود که عمده درآمدهای آن از مالیات - عوارض دریافتی از مناطق اشغال‌شده، فروش منابع نفتی، گروگان‌گیری و غارت و مصادره اموال به‌دست آمده است. بنا به ارزیابی "مرکز بین‌المللی مطالعات خشونت و رادیکالیسم"^۱ مجموع درآمدهای این گروه از چهار منبع ذکر شده در سال‌های ۲۰۱۶ - ۲۰۱۴ رقمی معادل ۴۴۴۰ - ۲۵۲۵ میلیون دلار برآورد شده است (ICSR, 2017: 7-8).



1. The International Centre for the Study of Radicalisation (ICSR)

جدول ۲. میزان درآمدهای داعش (میلیون دلار): ۲۰۱۶ - ۲۰۱۴

منابع / سال	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
مالیات و عوارض	۳۰۰ - ۴۰۰	۴۰۰ - ۸۰۰	۲۰۰ - ۴۰۰
درآمدهای نفتی	۱۵۰ - ۴۵۰	۴۳۵ - ۵۵۰	۲۰۰ - ۲۵۰
گروگان‌گیری	۲۰ - ۴۰	-	۱۰ - ۳۰
غارث و مصادره	۵۰۰ - ۱۰۰	۲۰۰ - ۳۵۰	۱۱۰ - ۱۹۰
مجموع	۹۷۰ - ۱۸۷۰	۱۰۳۵ - ۱۷۰۰	۵۲۰ - ۸۷۰

منبع: ICSR, 2017: 9

از نظر نظامی نیز دستیابی به انبارهای تسلیحاتی در عراق و سوریه در کنار توان خرید تجهیزات از کشورهای آسیای مرکزی آنها را دارای ارتش مجهز و قدرتمند کرده بود. داعش با چنین قدرتی به دلیل مجاورت جغرافیایی ایران با دو کشور عراق و سوریه به‌عنوان کانون تهدیدات منطقه‌ای برای امنیت ملی جمهوری اسلامی در آمده بود. در تابستان سال ۲۰۱۴، نیروهای داعش در استان دیاله در شرق عراق دو شهر السعیدیه و جلولا را تسخیر کردند. این دو شهر که در نزدیکی مرز عراق و ایران (مرز خانقین - خسروی) قرار داشت، نزدیکی داعش به مرزهای غربی ایران را بیشتر کرد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۹). پیشروی داعش علاوه بر تهدید برای امنیت ملی جمهوری اسلامی، عامل مهمی در شکستن محور مقاومت و ایجاد منطقه حائل سنی‌نشین در مرکز ژئوپولیتیک شیعه به‌منظور فاصله‌انداختن میان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رأس هرم محور مقاومت با جنوب عراق، سوریه و لبنان بود. هدف قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تقویت داعش ایجاد نیروی موازنه‌بخش در برابر جمهوری اسلامی و محور مقاومت و مهار نفوذ منطقه‌ای ایران بود (Kissinger, 2017: 1). در چنین وضعیتی نیروی قدس کوشید تا با تجهیز گروه‌های مقاومت مردمی تحت عنوان حشدالشعبی در عراق و نیروی دفاع ملی در سوریه در قالب پاسداری منطقه‌ای به دفاع از منطقه تحت نفوذ خود بپردازد. نکته بسیار مهم گام فوق‌العاده سپاه قدس در گسترش توان همکاری خود در جنگ‌های نامتقارن منطقه‌ای و ایجاد ارتش مقاومت منطقه‌ای بوده است. برآوردها نشان می‌دهد بیش از یک چهارم میلیون نفر (۲۵۰ هزار نفر) در قالب گروه‌های نیابتی تحت هدایت سپاه قدس قرار گرفته است (Al Jazeera, 2016).

در عراق نیروی بسیج مردمی عراق (حشدالشعبی) با ۱۰۰ هزار نیروی رزمنده که ۸۰ درصد آنها توسط ایران پشتیبانی می‌شود (Mcnis, 2016: 6) با فتح موصل توسط داعش و ناتوانی دولت مرکزی عراق در رویارویی با آنها، نیروی قدس توانست با ساماندهی نیروهای

شبه‌نظامی حشدالشعبی در کنار پیشمرگه‌های کرد و ارتش عراق پایتخت را از تسخیر داعش نجات دهد. حشدالشعبی یا نیروی بسیج مردمی در ژوئن ۲۰۱۴ با فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی به‌وجود آمد؛ زمانی که ارتش عراق از هم گسسته بود و داعش مناطق عمده‌ای از استان‌های دیالی، صلاح‌الدین، انبار و نینوا را در اختیار داشت. اگرچه بدنه اصلی این گروه شیعیان بودند اما سنی‌ها و اکراد نیز به آن ملحق، و در آزادسازی تکریت و حرف‌الصخر مؤثر واقع شدند. در غیاب ارتشی قدرتمند و رسیدن داعش به حومه بغداد حشدالشعبی نقش مهمی در نجات پایتخت ایفا کرد (Chmaytelli, 2017: 2).

در بحران سوریه نیز سرعت زیاد تحولات در کارزار، سقوط اسد را ظاهراً اجتناب‌ناپذیر کرده بود. از این‌رو سپهبد سلیمانی و سرتیپ همدانی پس از بررسی‌های دقیق میدانی برای کاستن از سرعت تحولات و در دست گرفتن ابتکار عمل چند اقدام راهبردی انجام دادند. در گام نخست آنها بشار اسد را از رویارویی با نیروهای مخالف و داعش در سراسر سوریه منصرف کرده و برای جلوگیری از سقوط نظام سیاسی خواهان تمرکز ارتش سوریه بر تثبیت جبهه‌های جنوبی و غربی جنگ شدند. در گام دوم با الگوبرداری از تشکیلات بسیج در ایران، گروه‌های داوطلب مردمی سوریه را به‌عنوان یک تشکل نظامی تحت عنوان نیروی دفاع ملی برای کمک به ارتش رسمی ساماندهی کردند. در گام سوم نیز برخی از گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله لبنان، کتائب حزب‌الله عراق و تیپ‌های فاطمیون و زینیون برای کمک به نیروهای سوری به دمشق فرا خوانده شدند (Phillips, 2016: 150 - 151). با این اقدامات به تدریج مواضع داعش در سوریه به‌دست نیروهای دولتی افتاد و ایران توانست از سقوط بشار اسد و در نتیجه قطع محور مواصلاتی محور مقاومت جلوگیری کند. در مجموع نیز در راستای ایفای نقش پاسداری منطقه‌ای و رویارویی با تروریسم ۲۱۰۰ نفر از نیروهای مستشاری ایران به شهادت رسیدند (مشرق نیوز، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۳. ارتش مقاومت منطقه‌ای ایران

نام	تعداد (هزار)	اصلیت
حزب‌الله	۴۵	لبنان
حوثی‌ها	۲۰	یمن
سازمان بدر	۲۰	عراق
کتاب حزب‌الله	۲۰	عراق
عصائب اهل الحق	۱۵	عراق
حرکت نجبا	۵	عراق
تیپ‌های فاطمیون	۵	افغانستان
تیپ زینیون	۵	پاکستان
نیروی دفاع ملی	۱۰۰	سوریه

منبع: The International Institute for Strategic Studies, 2019

پشتیبانی منطقه‌ای

هدف از پشتیبانی منطقه‌ای مبارزه با دخالت و نفوذ خارجی در منطقه است. مهم‌ترین هدف ایران در این راستا رویارویی با نفوذ آمریکا در غرب آسیا است که از ۱۱ سپتامبر به این سو افزایش یافته است. وقوع بهار عربی و به‌دنبال آن به‌وجود آمدن بحران در سوریه موجب تحرک سیاست منطقه‌ای آمریکا شد. به‌گونه‌ای که آمریکا در صدد برآمد تا با فشار بر بشار اسد و سرنگونی او موازنه قدرت را به‌نفع قدرت‌های منطقه‌ای هم‌پیمان خود و تضعیف قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. هدف آمریکا از فعالیت برای سرنگونی بشار اسد تضعیف محور مقاومت، کنترل گروه‌هایی همچون حزب‌الله و حماس برای هموارسازی مسیر رژیم صهیونیستی برای رسیدن به اهدافش، رویارویی نرم با افزایش نفوذ روسیه در غرب آسیا، انزوای منطقه‌ای ایران و به‌دست آوردن دوباره نفوذ در غرب آسیا بود (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۸ - ۱۴۳). در مقابل ایران درصدد بود تا با تثبیت بقای اسد در قدرت به تضعیف نفوذ آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش بپردازد. به همین دلیل جمهوری اسلامی کوشید تا با بهره‌گیری از حمایت‌های روسیه به‌عنوان متحد فرامنطقه‌ای ضمن افزایش توان مقابله‌گری خود در سوریه به‌نوعی موازنه ضد هژمونیک را در برابر آمریکا به‌وجود آورد. در اواسط سال ۲۰۱۵ نیروهای بشار اسد در معرض سقوط قرار گرفتند و این شبه‌نظامیان تحت رهبری ایران بودند که در سوریه در برابر داعش که کنترل شهر حلب را در اختیار داشتند، می‌جنگیدند. با وجود این آنها نیز نیاز به حمایت کشوری قدرتمندتر با امکانات و توانایی‌های قابل ملاحظه‌ه‌ای داشتند. به همین دلیل در اتفافی

نادر در ژوئیه ۲۰۱۵ سپهبد سلیمانی برای گفتگو با ولادیمیر پوتین و کسب حمایت مسکو برای حمایت‌های هوایی از نیروهای تحت هدایتش به مسکو سفر کرد (Fox News, 2015). بر اساس اطلاعاتی که از این جلسه دو ساعته توسط سرتیپ محمدجعفر اسدی فرمانده پیشین مستشاری ایران در سوریه منتشر شده است سپهبد سلیمانی کوشیده است تا پوتین را مجاب به حضور جدی‌تر در جنگ داخلی سوریه کند. استدلال فرمانده نیروی قدس این بود که سوریه آخرین سنگر جبهه شرقی است که در صورت از دست رفتن آن غربی‌ها دیگر ارزشی برای روسیه قائل نخواهند بود (اسدی، تسنیم، ۱۳۹۸). در نتیجه این سفر، چند هفته بعد روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ پس از کسب مجوز حضور نظامی در سوریه از مجلس این کشور، حملات هوایی متعددی را بر علیه مناطق اشغال شده انجام داد.

نتیجه‌گیری و نگاهی به آینده

کنشگری نیروهای مستشاری (نیروی قدس) و نقش آن در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در نتیجه ارتقای توانمندی‌های نسبی داخلی و بروز تغییرات ژئوپولیتیکی غرب آسیا از سال‌های پس از ۲۰۰۳ افزایش یافته است. در این راستا نیروهای مستشاری تلاش کردند تا با بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت بومی به‌عنوان متحدان منطقه‌ای، نفوذ ایران در غرب آسیا را گسترش دهند. موفقیت نیروی قدس در تحقق بخشیدن به نقش‌های سه‌گانه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از طریق ساماندهی بلوک سیاسی تحت عنوان محور مقاومت، رویارویی با داعش به‌عنوان مهمترین تهدید درون منطقه‌ای و جلوگیری از مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا در پرتو روابط راهبردی با روسیه، نقش مهمی در افزایش ضریب نفوذ و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران داشته است.

از سوی دیگر ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در دو سال اخیر واکنش آمریکا را در پی داشته است. خروج آمریکا از برجام و اتخاذ سیاست فشار حداکثری توسط ترامپ با هدف مهار قدرت و نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی در منطقه و کاستن از فعالیت‌های نیروهای مستشاری انجام شده است. قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی و ترور سپهبد سلیمانی از جمله تلاش‌های آمریکا برای توقف پیشروی نفوذ نیروی قدس در منطقه بوده است. به‌رغم فشارهای همه‌جانبه آمریکا به‌منظور کاهش کمک‌های مالی ایران به گروه‌های متحد خود در منطقه و ترور سپهبد سلیمانی به‌عنوان فرمانده ارتش محور مقاومت، انتصاب سریع سرتیپ قائنی نشان از عزم ایران برای تداوم و گسترش فعالیت‌های نیروی قدس دارد. امری که در پیام امام خامنه‌ای (مدظله) هدف نهایی آن خروج آمریکا از غرب آسیا اعلام شده است. سفرهای فرمانده جدید نیروی قدس به عراق و سوریه به‌منظور



نظارت و سرکشی از گروه‌های مقاومت و قرارگاه‌های نیروی قدس نیز در این راستا انجام شده است. از این رو به نظر می‌رسد نیروی قدس به‌عنوان سازمان‌دهنده ارتش مقاومت، پس از شهادت سپهبد سلیمانی در تداوم روند مأموریت خود به‌منظور افزایش فشار و واردآوردن خسارت به امریکا و متحدان منطقه‌ای آن عرصه نبرد را گسترش دهد. چرا که هرچه میدان نبرد گسترده‌تر باشد شناس رویارویی با آسیب‌پذیری‌های امریکا بیشتر می‌شود و این امر باعث می‌شود تا هزینه‌های این کشور از بسیاری جهات افزایش یابد.

منابع

- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی ج.ا.ا، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال چهارم، ش ۱۹: ۱۲ - ۱.
- آقای، احمد و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، روابط ج.ا.ا و عربستان سعودی: چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴، ش ۳۰: ۳-۱.
- اسدی، محمد جعفر (۱۳۹۸)، **ماجرای دیدار ۱۴۰ دقیقه‌ای پوتین با سردار سلیمانی**، سایت تسنیم، قابل دسترس در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/24/>
- افتخاری، اصغر و کلانتری، فتح الله (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست دفاعی**، س ۲۲، ش ۸۸: ۹۰ - ۶۳.
- الحمد، جواد و برغوثی، ایاد (۱۳۸۲)، **سیری در اندیشه سیاسی حماس**، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
- امام خامنه‌ای (مدظله)، سید علی، **بیانات رهبر انقلاب**: ۱۳۵۹/۷/۴؛ ۱۳۷۰/۷/۵، ۱۳۸۵/۱۱/۲۹، ۱۳۹۶/۶/۳، ۱۳۹۶/۶/۱۳، ۱۳۹۷/۳/۲؛ ۱۳۹۸/۳/۱۴. قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech>
- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۸۵)، **صحیفه نور**، ج ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- بابایی، گل علی (۱۳۹۵)، **پیغام ماهی‌ها: سرگذشت نامه سردار شهید حسین همدانی**، تهران: انتشارات صاعقه.
- بوزان، باری (۱۳۸۱)، **خاورمیانه: ساختاری همیشه کشمکش‌زا**، ترجمه احمد صادقی، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۱۶، ش ۳: ۶۸۰ - ۶۳۳.
- پشنگ، اردشیر و زمردی، زهرا (۱۳۹۳)، **بررسی تحولات سیاسی عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، ترکیه و عربستان، فصلنامه سیاست خارجی**، دوره بیست و هشتم، ش ۳: ۴۹۹ - ۴۷۷.
- حمید، طارق (۱۳۹۰)، **نفوذ ایران در منطقه بسیار بالا است**، سایت دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در: irdiplomacy.ir/fa/page/17779، ص ۲ - ۱.

- خبر آنلاین (۱۳۹۸)، مروری بر فعالیت‌های نیروی قدس سپاه و سردار سلیمانی؛ از بوسنی تا سوریه، ۱ بهمن ۱۳۹۸. قابل دسترس در:
<https://www.khabaronline.ir/news/1344535>
- خرمشاد، محمدباقر و مرادخانی، حمید (۱۳۹۴)، ارزیابی جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی سوات، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۳: ۲۶ - ۳.
- ذوالفقاری، مهدی و عمرانی، ابودر (۱۳۹۶)، تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۷، ش ۲: ۱۹۵ - ۱۶۹.
- روحی دهبنه، مجید (۱۳۹۷)، تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی، **فصلنامه ژئوپولیتیک**، س ۱۴، ش ۱: ۱۴۷ - ۱۱۳.
- زرقاتی، هادی (۱۳۸۸)، **مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای جنوب غربی**، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- شوسو دوفسکی، کایکل (۱۳۹۱)، علت اصلی جنگ امریکا در سوریه، ترجمه مهشید الوندی، **فصلنامه سیاحت غرب**، سال دهم، ش ۱۱۰: ۶۲ - ۵۴.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۷)، نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۱۱، ش ۴۰.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر ادراک.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، **ژئوپولیتیک نظام جهانی**، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
- گلشنی، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۱)، جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی ایران، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی شهرضا**، دوره ۴، ش ۵: ۱۵۶ - ۱۲۳.
- لیک، دیوید و مورگان، پاتریک (۱۳۸۱)، **نظم‌های امنیتی، امنیت‌سازی در جهانی نوین**، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشرق نیوز (۱۳۹۵)، **تعداد شهدای مدافع حرم اعلام شد**، ۵ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترس در:
<https://www.mashreghnews.ir/news/698569>
- مرادی کلارده، سجاد و هدایتی، مهدی (۱۳۹۶)، راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی و اهداف، **فصلنامه روابط خارجی**، سال نهم، ش ۳: ۱۹۲ - ۱۶۳.
- نیاکویی، امیر و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۴)، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هفتم، ش ۱: ۱۶۸ - ۱۲۱.
- وزیریان، امیرحسین، شکوری، ابوالفضل (۱۳۹۹)، تأثیر جنگ تحمیلی بر قدرت منطقه‌ای ایران: ۱۳۸۰ - ۱۳۵۹، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال ۱۶، ش ۳۲.

- Abu-Amer, Adnan (2018), "What is behind the Hamas-Iran Rapprochement?" Aljazeera, 26 July 2018, p.p:1-3. See:



<https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/hamas-iran-180725150509789.html> rapprochement-

- Alfoneh, Ali (2012), **Esmail Qaani: the next Revolutionary Guards Quds Force commander?** American Enterprise Institute, January 11, 2012. see: <https://www.aei.org/research-products/report/esmail-qaani-the-next-revolutionary-guards-quds-force-commander>

- Alfoneh, Ali (2013), **"Iran Unveiled: How the Revolutionary Guards Is Turning Theocracy into Military Dictatorship"**, Washington, D.C, American Enterprise Institute.

- Alfoneh, Ali (2009), **What Do Structural Changes in the Revolutionary Guards Mean?**, April 10, 2009, p.p:1-5. see to: <https://www.criticalthreats.org/analysis/what-do-structural-changes-in-the-revolutionary-guards-mean>.

- Alfoneh, Ali (2020), **who is Esmael Ghaani the New Chief Commander of Iran Quds Force**, The Washington Institute for Near East Policy, January 7, 2020. see: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/who-is-esmail-qaani-the-new-chief-commander-of-irans-quds-force>

- Al Jazeera, (2016), "Reports: Iran Forms 'Liberation Army' to Deploy Abroad", August 20, 2016: See: <http://www.aljazeera.com/news/2016/08/iran-raises-force-deploy-arab-states-reports-160820061102379.html>.

- Bazoobandi, Sara (2014), **Iran's Regional Policy: Interests Challenges and Ambitions**, Analysis, No. 275, November 2014, p.p:1-7.

- Buzan, Barry & Waever, Dewide (1998), **Regional and Power the structure of international security**, New York: Cambridge University Press.

- Carmi, Omer (2017), **"ccc cccccc ccc Ciiiiiii i aaa's rrraa Network"**, The Washington Institute for Near East Policy, October 2017, p.p:1-26. See to: <https://www.washingtoninstitute.org/policyanalysis/view/deconstructing-and-countering-irans-threat-network>.

- Chmaytelli, Maher (2017), "Abadi defends role of Iranian-backed paramilitaries at meeting with Tillerson," Reuters, October 23, p.p:1-4. See to: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq/abadi-defends-role-of-iranian-backed-paramilitaries-at-meeting-with-tillerson-idUSKBN1CS26X>.

- Chulov, Martin (2011), "Qassem Suleimani: the Iranian general secretly running Iraq", Guardian, July 28, 2011, pp.1-3.

- Fledes, Daniel (2007), "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case". GIGA Working Paper, Hamburg: GIGA German Institute of Global and Area Studies. No. 53, p.p:1-60.

- Filkins, Dexter (2013), **"The Shadow Commander"**, New Yorker, September 30, 2013, p.p:1-7. See to: <https://www.newyorker.com/magazine/2013/09/30/the-shadow-commander>.

- Fox News (2015), **"Quds Force commander Soleimani visited Moscow, met Russian leaders in defiance of sanction"**, August 6, 2015. See:

<https://www.foxnews.com/exclusive-quds-force-commander-soleimani-visited-mosco>

- Gray, Colin (1981), National Style in Strategy: The American Example, Vol. 6, No. 2, pp. 21-47.

- Griffiths, Martin (2008), **International Relations: The Key Concepts**, London and New York: Routledge.

- Goodarzi, Jubin (2013), "Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment", Volume 4, No 2, pp:1-20.

- ICSR (2017), **Caliphate in Decline: An Estimate of Islamic State's Financial Fortunes**, see: <https://icsr.info/wp-content/uploads/2017/02/ICSR-Report-Caliphate-in-Decline-An-Estimate-of-Islamic-States-Financial-Fortunes.pdf>. See: <https://icsr.info/2018/05/30/caliphate-in-decline-an-estimate-of-islamic-states-financial-fortunes>

- International Institute for Strategic Studies (2019), **Iran's Influence in the Middle East**, November 2019. See: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-1-tehrans-strategic-intent>.

- Katzman, Kenneth (2016), "Iran's Foreign Policy", Congressional Research Service, June 27, 2016. see: https://www.everycrsreport.com/files/20160627_R44017.

- Katzman, Kenneth (2019), **The Warriors of Islam: Iran's Revolutionary**, U.K: Routledge.

- Kissinger, Henry (2017), **Iranian Empire**, Mint Press News, August 10, 2017, see : <https://www.mintpressnews.com/henry-kissinger-destroying-isis-create-radical-iranian-empire/230764>.

- Knights, Michael (2018) "The Houthi War Machine: From Guerrilla War to State Capture," CTC Sentinel, Volume 11, Issue 8.

- Litvak, Meir, Landau, Emily, Kam, Ephraim (2018), "Iran A Changing Strategic Environment", Institute for National Security Studies: Memorandum No.173, March 2018, p.p:1-97.

- Mcinnis, Matthew (2016), "Iranian Deterrence Strategy and Use of Proxies", The American Enterprise Institute, November 29, 2016, p.p:1-8.

- Milani, Mohsen (2015), **Iran's Game in Yemen: Why Tehran Isn't to Blame for the Civil War**, Foreign Affairs, April 19, 2015, p.p:1-4. see: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-04-19/irans-game-yemen>

- Nada, Garrett and Mattisan Rowan (2018), "**Pro-Iran Militias in Iraq**," Wilson Center, April 27, 2018, p.p:1-4.

- Nasrallah, Hassan (2016), "Hizbullah's Money and Missiles Reach Us Directly from Iran, No Law Will Prevent This," MEMRI TV Monitor Project (Middle East Media Research Institute, June 24, 2016),



<https://memri.org/tv/hassan-nasrallah-hizbullahs-money-and-missiles-reach-us-directly-iran-no-law-will-prevent/transcript>.

- Osterud, Oyvind (1992) "Regional great powers", in: Iver. B. Neumann (eds), *Regional Great Power in International Politics*, Basingstoke: St. Martin press.1-15.

- Ostovar, Afshon (2016), **Vanguard of the Imam: Religion, Politics, and Iran's Revolutionary Guards**, UK: Oxford University Press.

- Phillips, Christopher (2016), **The Battle for Syria: International Rivalry in the New Middle East**, U.S: Yale University Press.

- Rahimi, Babak (2012), "Iran's Declining Influence in Iraq", *Washington Quarterly*, 35, No.1, p.p:25-40.

- Rajaei, Farhang (1983), *Islamic Values and World View: Khomeini on Man, the State, and International Politics*, New York: University Press of America.

- Riazaty, Mehran (2016), **Regime, Its Guardians, Allies Around the World**: Bloomington: Xlibris.

- Rubin, Barry, (2006), "Iran: The Rise of a Regional Power", *Middle East Review of International Affairs*, Vol.5, No.10, pp: 142-151. see: [http:// www.rubincenter.org/2006/09/rubin-2006-09-10](http://www.rubincenter.org/2006/09/rubin-2006-09-10).

- Ryan, Patrick (2015), "The Yemen Crisis and the Bab el-Mandeb Maritime Chokepoint", *Saudi-US Relations Information Service*, Vol.1, p.p:1-3.

- Schirm, Stefan (2007), "Emerging Power Leadership in Global Governance: Assessing the Leader-Follower Nexus for Brazil and Germany ", Paper to the ECPR Joint Session Workshop: The Rise of(new) Regional Powers in Global and Regional Politics, European Consortium for Political Research: Helsinki.

- Stewart, Robert, Ingersol, Fraizer, Derrick (2012), **Regional Powers and Security Orders**, Routledge Publisher: London and New York.

- Tabler, Andrew (2011), **In the Lion's Den: An Eyewitness Account of Washington's Battle with Syria**: Lawrence Hill Books.

- Taremi, Kamran (2014), Iranian Strategic Culture: The Impact of Ayatollah Khomeini's Interpretation of Shiite Islam, **Journal of Contemporary Security Policy**, Volume 35, Issue 1.

- The Soufan Groups (2015), **Foreign Fighters: An Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq**, December 8, 2015, p.p:1-18. See:

- Uskowi, Nader (2018), **Temperature Rising: Iran's Revolutionary Guards and Wars in the Middle East**, U.S: Rowman & Littlefield Publishers.

- Vaisi, Morad (2020a), **From Ahmad Vahidi to Ismail Ghaani. Three decades with the Quds Force**, Radio Farda, January 4, 2020. see:



<https://www.radiofarda.com/a/structure-of-the-quds-force-of-iran/30360139.html>.

– Watkins, Ali, Ryan Grim, and Akbar Shahid Ahmed (2015), “**Iran Warned Houthis Against Yemen Takeover**,” Huffington Post, April 20, 2015, see: http://www.huffingtonpost.com/2015/04/20/iran-houthis-yemen_n_7101456.html.

– Zimmt, Raz (2015), **Brigadier General Hossein Hamadani, Senior Iranian Islamic Revolutionary Guards Corps Commander, Killed Near Aleppo, Syria**, The Meir Amit Intelligence and Terrorism Information Center, October 13, 2015. see: <https://www.terrorism-info.org.il/en/20883/>

Site:

- <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep>
- <https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country/iran>
- www.iiss.org/publications/the-military-balance
- <https://www.sipri.org/databases/milex>

